

محمدرضا محمدمعمروف به‌خواجه نصیرالدین طوسی از دانشمندان و فیلسوفان برجسته و از سیاستمداران نخبه که در دوران ساسانیان و از استادالشریح و جهت نبوغ و تسلطش بر علم عقلی و ریاضی عقل حادی عشر (عقل یازدهم یا الهام یا نظریه خودخواه‌اش نقیه نماید.

هولاکوخان مغول در اواخر سال ۶۴۲ق.م هجری قمری در طوس زاده شد. پدرش محمدبن حسن از فقها و محدثین امامیه طوسی بود.

او فقه و حدیث را در محضر پدرش و فضل… او زاده شد که شاگردان عالم و فقیه بزرگ دانشگاه سیمدرتس علم‌الهدای است. آموخت و حکمت را نزد فریدالدین امان الدین نیشابوری که با چهار واسطه شاگرد این استاد بود فرا گرفت.

کتاب قانون ابن سینا را نزد قطب‌الدین مصری خواند و علوم ریاضی را از خواجه کمال‌الدین یونین مصری که در این علوم سرآمد دوران بود آموخت. زندگی خواجه نصیرالدین طوسی در دو مرحله قابل بررسی است. مرحله اول زندگی او که مصادف با حملات خانمانسوز و ویرانگر مغولان می‌باشد. به دلیل بی‌تدبیری خوارزمشاهیان و فساد حاکم بر نظام سیاسی آن روز ایران، کشور ایران مورد تاخت و تاز تاتارهای وحشی به زهبری چندگیوچان مغول فرار گرفته بود. خواجه در نیشابور بود که قرآن بلا یمنی آسمانی سر رسیدند. خواجه حیرت زده و الهاماتی در پی بناگاهه ای‌ماری خود بود که به دعوت حاکم قهستان به نزد او رفت. او در اکرام و اعزاز خواجه بسیار کوشید. در همان جا بود که خواجه به خواهرش افریقتسان کتاب الظهاره این مسکویه را ترجمه کرد و فصول جدیدی را نیز به آن افزود و آن را اخلاق ناصری نامید. شصت حملات مغولان به حدی بود که در هیچ جا امنیت وجود نداشت. لذا خواجه ناچاراً به قلعه‌الموت قزوین که تحت حاکمیت اسماعیلیه بود منتقل شد و آنجا بایقی بود. در مدت اقامت خواجه در قلعه الموت خواجه شرحی بر اشارات ابن سینا نگاشت. از خود در مقدمه این کتاب می‌گوید: بیشتر این کتاب را در حال سختی نوشتم که سخت‌تر از آن ممکن نیست و اغلب آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم چنانکه پریشانی از آن پیدا نشود. در روزگاری که هر لحظه آن نکتد از غصه و عذاب دردناک بود، زمانی بر من گذشت که دیدگاه‌اشک تیزرود و دم پریشان نباشد و زمانی نبود که دردهایم اضافه نشود و هم‌حویز چوچندان نشود و شاعر چه خوب سروده است: که هر گردا گرد چوچندان که بینی

بلا انگشتی و من نگنیم مغولان بر اعمال ویرانگرانه و جانیکارانه علاقه کم استمنت و آرایش را از مردم و ملما

## سیری در زندگی و اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی

سلب کرده بود، مشکل دیگر خواجه اختلاف فکری و نقشی بی‌دلیل داشتند؛ زمام امور به دست سوری علمای شیعه امامیه ملا حده نام گرفته بودند. لذا خواجه در دوران قلعه الموت نیز آرامش و آسایش فکری و اندیشگی نداشت. محبور بود که برای حفظ جان خود و خانواده‌اش نقیه نماید.

هولاکوخان مغول در اواخر سال ۶۴۲ق.م هجری قمری در طوس زاده شد. پدرش محمدبن حسن از فقها و محدثین امامیه طوسی بود. او فقه و حدیث را در محضر پدرش و فضل… او زاده شد که شاگردان عالم و فقیه بزرگ دانشگاه سیمدرتس علم‌الهدای است. آموخت و حکمت را نزد فریدالدین امان الدین نیشابوری که با چهار واسطه شاگرد این استاد بود فرا گرفت. کتاب قانون ابن سینا را نزد قطب‌الدین مصری خواند و علوم ریاضی را از خواجه کمال‌الدین یونین مصری که در این علوم سرآمد دوران بود آموخت. زندگی خواجه نصیرالدین طوسی در دو مرحله قابل بررسی است. مرحله اول زندگی او که مصادف با حملات خانمانسوز و ویرانگر مغولان می‌باشد. به دلیل بی‌تدبیری خوارزمشاهیان و فساد حاکم بر نظام سیاسی آن روز ایران، کشور ایران مورد تاخت و تاز تاتارهای وحشی به زهبری چندگیوچان مغول فرار گرفته بود. خواجه در نیشابور بود که قرآن بلا یمنی آسمانی سر رسیدند. خواجه حیرت زده و الهاماتی در پی بناگاهه ای‌ماری خود بود که به دعوت حاکم قهستان به نزد او رفت. او در اکرام و اعزاز خواجه بسیار کوشید. در همان جا بود که خواجه به خواهرش افریقتسان کتاب الظهاره این مسکویه را ترجمه کرد و فصول جدیدی را نیز به آن افزود و آن را اخلاق ناصری نامید. شصت حملات مغولان به حدی بود که در هیچ جا امنیت وجود نداشت. لذا خواجه ناچاراً به قلعه‌الموت قزوین که تحت حاکمیت اسماعیلیه بود منتقل شد و آنجا بایقی بود. در مدت اقامت خواجه در قلعه الموت خواجه شرحی بر اشارات ابن سینا نگاشت. از خود در مقدمه این کتاب می‌گوید: بیشتر این کتاب را در حال سختی نوشتم که سخت‌تر از آن ممکن نیست و اغلب آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم چنانکه پریشانی از آن پیدا نشود. در روزگاری که هر لحظه آن نکتد از غصه و عذاب دردناک بود، زمانی بر من گذشت که دیدگاه‌اشک تیزرود و دم پریشان نباشد و زمانی نبود که دردهایم اضافه نشود و هم‌حویز چوچندان نشود و شاعر چه خوب سروده است: که هر گردا گرد چوچندان که بینی

رود خیران گذشت و از طریق بلخ و خواف به خراسان آمد. یکی از اهداف مهم هولاکوخان مغول تسخیر قلاع اسماعیلیه بود. به گفته مورخین، هدف عمده هولاکوخان مغول در این مقطع ساقط کردن حکومت خورشاه اسماعیلی بود.(۱)

با محاصره قلعه میمون در توس سپاهیان هولاکوخان مغول تسخیر ایلی سپر و برادر خود را به همراه خواجه نصیرالدین طوسی و سپران کوفهٔ دولتله همدانی طیب و محمد دولتله روانه اردوگاه هولاکوخان مغول کرد. خود نیز در تاریخ اول ذی القعدة سال ۶۴۲ هجری قمری از قلعه به زیم آمد و در حضور هولاکوخان مغول زمین خدمت بوسید. در وقت افتاد ۱۷۷ ساله اسماعیلیان به انتها رسید.(۲)

خواجه نصیرالدین طوسی در تاریخ این واقعه گفته است:

خان عرب جو شخصد و پنجاه و چار شد یک کینه اولی بعد از بقعه ابدامد خورشاه بادشاه اسماعیلین زخت برخاست پیش رخسایت هولاکویاسپادهمر حله مرد زندگی خواجه که در حقیقت شکوفایی و بالندگی علمی و اندیشگی خواجه می‌باشد آغاز شد. آرزو خواجه در ریاضیات و حکمت را هولاکوخان مغول شنیده بود. مهارت خواجه در تنظیم زیچ و جدول مطالعات نجومی در مغولستان نیز شهده بود. به طوری که برادر هولاکوخان مغول از وی درخواست کرد که خواجه را برای ساختن رصدخانه‌ای به مغولستان بفرستد ولی به سبب بعضی پیشامدها هولاکوخان او را نزد خواجه نگه داشت. زندگی خواجه در این مرحله در چندین مورد اساسی قابل تأمل و در خور بررسی می‌باشد.

بعد از سقوط نظام طبقاتی ساسانی و حاکمیت اسلام و دولت‌های اسلامی بر جامعه ایران خصوصاً از زمان روزگار آمدن خواجه نصیرالدین طوسی به واسطهٔ پیوستن مغولان به اسلام و دولت‌های اسلام بر سرزمین ویران شدهٔ ایران بکار بندد.

### ایا کننده مکتب مشا:

از جمله مناصب که توسط هولاکوخان به خواجه واگذار شد ریاست یازفوجی بود که به عنوان دستگاه قضائی مغولان عمل می‌کرد.(۳)

در جریان فتح بغداد هم بیکار خواجه از طرف هولاکوخان مغول به عنوان سفیر نزد آخرین خلیفه عباسی رفت.(۵) نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی در دستگاه هولاکوخان مغول به حدی می‌رسد که او گفته این شاکر، خواجه نصیر حرمتی بسیار و منزلتی عالی نزد هولاکوخان مغول داشت و آنچه را او بدان اشاره می‌کرد متابعت کرده و اموال را در آن صرف می‌نمود.(۶)

یکی از محورهای دیگر کار خواجه نصیرالدین طوسی حفظ جان علما و اندیشمندان بود که به عللی گرفتار خشم مغولان می‌شدند. در واقعه بغداد، و عزالدین (ابن ابی الحدید) و بردارش موثق الدین را بیرون آوردند که بکشند (ابن علقمی) چون حال عزالدین را شنید بود پسر او درآمد در حال به خدمت خواجه افضل‌النصیرالدین طوسی رفت و دامن او را بگیرفت و گفت دو کس از افضل بغداد که بر بنده حقوق عظیم دارند گرفته‌اند و خواهند کشت و التماس دارم که خواجه به بندی پادشاه بنشاند. خواجه بی‌توقف روان شد. وزیر به رسم مغول زانو زد و گفت دوکس را از شهر بیرون

### از مهم ترین فعالیت های

### علمی و فکری خواجه، تغییر

### در علم کلام است که به آن

### رنگ فلسفی شخصید و

### برهان فکری را در

### اثبات عقاید دینی

### بیان کرد

آورده‌اند و بر تیغ پادشاهان نافذ شده است که ایشان را با یاسا رسانند بکه کمترین آن است که پادشاه عوض ایشان مار یکشد پادشاه

### آغاز نبضت

### ضدعقلی و فلسفه

### سنتیزی توسط

### ابوالحسن اشعری

### بنا نهاده شده بود

داشت. خواجه در شرح اشارات ابن کباب سینا می‌فرماید:شیخ‌الرئیس در تالیف این کتاب از جانب خداوند مرید بوده است چنانکه خود بوعلی سینارئیس حکمات این کتاب او نیز در میان دیگر تالیفات او ریاست دارد و چون امام فخر رازی این کتاب را با نظر تعصب شرح کرده است و اعتراضات زیادی وارد کرده است. به حدی که عده‌ای از فقها شرح او را حرج نام نهادند لازم دانستم که مطالب را در طریق عقیده مولف شرح نمایم و از بیان عقیده شخصی خودداری کنم و شبهات امام فخر را چنانکه باید و شاید مرتفع سازم.

از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی و فکری خواجه تغییر در علم کلام است که به آن رنگ فلسفی بخشید و برهان‌های محکمی را در اثبات عقاید دینی بیان کرد. کتاب تجریدالاعتقاد مهم‌ترین کتاب کلامی خواجه است که کتاب کشف‌المداد ملامه حلی مهم‌ترین کتاب است. هدف عمده خواجه تغییر در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.

این دشمن سرخست چیزی جز علم کلام استدلالی لاف‌سفه‌روی خوش‌نشان نمی‌داند تا اینکه در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود. این دشمن سرخست چیزی جز علم کلام است که کتاب کشف‌المداد ملامه حلی مهم‌ترین کتاب است. هدف عمده خواجه تغییر در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.

هدف آنان نبست به دیدگاه‌های استدلالی لاف‌سفه‌روی خوش‌نشان نمی‌داند تا اینکه در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود. این دشمن سرخست چیزی جز علم کلام است که کتاب کشف‌المداد ملامه حلی مهم‌ترین کتاب است. هدف عمده خواجه تغییر در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.

عقل‌گرایانی بودند که همه چیز را می‌خواستند محسوس کنند. سنجیدند که در این زمینه راه ارقام را در پیش گرفتند. تا جایی که هر گونه زدن یکی که با عقل خرد نمی‌توانستند تطبیق دهند، آن را از کتابی بیرون کردند. این ظاهر بیینی و زباده‌روی در مثنی استلالی سبب مکتب علما شد. در عالم اسلام زمان که قرن پنجم هجری هم سلاجقه بر دنیای اسلام حکمرانی می‌کردند. از محافل رسمی اشاعره حمایت می‌کردند و کلیه دانش‌های عقلی را طرد می‌می‌کردند. از جمله افرادی که با فلسفه با سنی‌زمین داشت غزالی بود که در کتاب تهافت‌الفلسفه به آرای فارابی و ابن سینا حمله کرد و بسیاری از آنها را با وحی معارضه و تائید اندیشمند دیگری که با فلسفه و عقلا مخالف و ریزش‌فراز بودی از کتابی در شرح اشارات ابن سینا نوشت که البته قصد او شرح نبود بلکه جرح و نقد و اعتراض و فساد و نفی بود. لذا نقش خواجه نصیرالدین طوسی در این زمان بیشتر جلوه می‌کند.

خواجه نصیر با شرح ابراهامی آغاز در فخر رازی سعی کرد تا کلمی در احیای مکتب مشا

- تاریخ مغول نوشته اشعرا اقبال آشتیانی - ص ۱۷۵
- منبع قبلی - ص ۱۷۶
- کتاب رسول جعفریان تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری - جلد دوم - ص ۱۷۷
- تاریخ مغول در ایران اسپولر - ص ۳۸۳
- جامع التواریخ - جلد ۲ - ص ۷۱۱
- قوات الروایات - ص ۳ - ص ۲۲۷
- تاجکوار السلف - ص ۳۵۹
- ابن شهر آشوب در کتاب قوت الروایات.

<div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>	<span> </span> <span> </span>	<span> </span> <span> </span>	<span> </span> <span> </span>	<span> </span> <span> </span>	<span> </span> <span> </span>
<p><b>آغاز نبضت</b></p>					
<p><b>ضدعقلی و فلسفه</b></p>					
<p><b>سنتیزی توسط</b></p>					
<p><b>ابوالحسن اشعری</b></p>					
<p><b>بنا نهاده شده بود</b></p>					
<p><b>داشت.</b></p>					
<p><b>خواجه در شرح اشارات ابن کباب سینا می‌فرماید:شیخ‌الرئیس در تالیف این کتاب از جانب خداوند مرید بوده است چنانکه خود بوعلی سینارئیس حکمات این کتاب او نیز در میان دیگر تالیفات او ریاست دارد و چون امام فخر رازی این کتاب را با نظر تعصب شرح کرده است و اعتراضات زیادی وارد کرده است. به حدی که عده‌ای از فقها شرح او را حرج نام نهادند لازم دانستم که مطالب را در طریق عقیده مولف شرح نمایم و از بیان عقیده شخصی خودداری کنم و شبهات امام فخر را چنانکه باید و شاید مرتفع سازم.</b></p>					
<p><b>از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی و فکری خواجه تغییر در علم کلام است که به آن رنگ فلسفی بخشید و برهان‌های محکمی را در اثبات عقاید دینی بیان کرد. کتاب تجریدالاعتقاد مهم‌ترین کتاب کلامی خواجه است که کتاب کشف‌المداد ملامه حلی مهم‌ترین کتاب است. هدف عمده خواجه تغییر در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.</b></p>					
<p><b>این دشمن سرخست چیزی جز علم کلام است استدلالی لاف‌سفه‌روی خوش‌نشان نمی‌داند تا اینکه در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.</b></p>					
<p><b>هدف آنان نبست به دیدگاه‌های استدلالی لاف‌سفه‌روی خوش‌نشان نمی‌داند تا اینکه در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.</b></p>					
<p><b>این دشمن سرخست چیزی جز علم کلام است که کتاب کشف‌المداد ملامه حلی مهم‌ترین کتاب است. هدف عمده خواجه تغییر در قرن چهارم شد دشمنی سرخاسته برای خلافت پیامد شد و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اندیشه فلسفی نواخت بود.</b></p>					
<p><b>عقل‌گرایانی بودند که همه چیز را می‌خواستند محسوس کنند. سنجیدند که در این زمینه راه ارقام را در پیش گرفتند. تا جایی که هر گونه زدن یکی که با عقل خرد نمی‌توانستند تطبیق دهند، آن را از کتابی بیرون کردند. این ظاهر بیینی و زباده‌روی در مثنی استلالی سبب مکتب علما شد. در عالم اسلام زمان که قرن پنجم هجری هم سلاجقه بر دنیای اسلام حکمرانی می‌کردند. از محافل رسمی اشاعره حمایت می‌کردند و کلیه دانش‌های عقلی را طرد می‌می‌کردند. از جمله افرادی که با فلسفه با سنی‌زمین داشت غزالی بود که در کتاب تهافت‌الفلسفه به آرای فارابی و ابن سینا حمله کرد و بسیاری از آنها را با وحی معارضه و تائید اندیشمند دیگری که با فلسفه و عقلا مخالف و ریزش‌فراز بودی از کتابی در شرح اشارات ابن سینا نوشت که البته قصد او شرح نبود بلکه جرح و نقد و اعتراض و فساد و نفی بود. لذا نقش خواجه نصیرالدین طوسی در این زمان بیشتر جلوه می‌کند.</b></p>					
<p><b>خواجه نصیر با شرح ابراهامی آغاز در فخر رازی سعی کرد تا کلمی در احیای مکتب مشا</b></p>					

<sup>[1]</sup> تاریخ مغول نوشته اشعرا اقبال آشتیانی - ص ۱۷۵

<sup>[2]</sup> منبع قبلی - ص ۱۷۶

<sup>[3]</sup> کتاب رسول جعفریان تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری - جلد دوم - ص ۱۷۷

<sup>[4]</sup> تاریخ مغول در ایران اسپولر - ص ۳۸۳

<sup>[5]</sup> جامع التواریخ - جلد ۲ - ص ۷۱۱

<sup>[6]</sup> قوات الروایات - ص ۳ - ص ۲۲۷

<sup>[7]</sup> تاجکوار السلف - ص ۳۵۹

<sup>[8]</sup> ابن شهر آشوب در کتاب قوت الروایات.